



۲۰۱۷/۰۳/۱۸

محمد سرور روحانی

قیام ۲۴ حوت هرات

سلام خود را خدمت همه هم میهنان عزیز تقدیم می کنم.

می خواهم جهت بزرگ داشت قیام تاریخی مردم با شهامت هرات در حوت سال ۱۳۵۷ نکاتی چند بیان کنم. در ۲۴ حوت سال ۱۳۵۷ هـ ش شهر باستانی هرات شاهد قیام ده ها هزار انسان های متدین و شهادت بیش از ۲۵ هزار فدائی در راه حق بود.

۳۸ سال پیش از امروز هرات شاهد انفجار عظیمی شد که قیام مقدس اسلامی مردم افغانستان را در برابریه ای از هموطنان فریب خورده جاهل خلق و پرچم که تحت اداره و رهنمائی عمال روسیه شوروی فعالیت می کردند اعلان نمود.

طوری که شما نیز اطلاع دارید به تاریخ ۷ ثور همان سال خود فروختگان تحت پلان و رهبری شوروی کودتای تنظیم شده ای را در ساعت ۲ بعد از ظهر روز پنجشنبه که آغاز رخصتی اخیر هفته مأمورین دولتی بود با نیرنگ خاصی به راه انداختند که بعد از ۲۴ ساعت زد و خورد بالاخره فرزند صدیق افغان محمد داود خان رئیس جمهور دولت را همراه با اعضای فامیل و عده ای از اعضای کابینه ناجوانمردانه به شهادت رساندند.

چون مردم افغانستان سال های زیادی را به آرامش ولی در فقر گذشتانده بودند، هیچگونه حرکتی را در مقابل این هجوم انجام داده نتوانستند. لذا فریب خوردگان میدان را خالی یافته کوشیدند که با تاخت و تازهای وحشیانه تسلط خود را در سطح کشور تثبیت نمایند. فعالیت شان خیلی عجولانه بود که با حمله به مقدسات دینی و نوامیس ملی جامعه و برهم زدن نظم زندگی و آرامش روحی مردم توأم شد.

افغان ها ازین شیوه برخورد ناراحت گردیده و شکایات شان آهسته آهسته از هر سو شنیده می شد، اعتراضات گروه های خورد مردم منکوب می گردید و به جزای سخت محکوم می شدند. برخورد حاکمان طرف نفرت و انزجار بیشتر مردم واقع شده و روز بروز حس بدبینی و آتش خشم شان را تیز تر و شعله ور تر می ساخت.

اولین حرکت مردمی با تصمیم قوی از قریه سلیمی ولسوالی گذره هرات به روز ۹ حوت ۵۷ صورت گرفت. درین روز که فرماندهان دولت به منظور بردن اجباری زنان قریه به کورس های نام نهاد سواد آموزی آمده بودند. در واقع می خواستند با تبلیغات منحرف کننده خود توهین به مقدسات دینی و نوامیس ملی نموده و غرور مردم را درهم شکنند. تصور نمی کردند که با خشم و قیام مردم آن منطقه روبرو می شوند.

آوازه این حرکت در شهر و ولسوالی های هرات منتشر گردید. بناءً در ۱۸ حوت جنبش غوریان و در ۱۹ حوت حرکت مردم زنده جان صورت گرفت و مخالفت مردم با دولت در سطح هرات و باقی ولایات کشور آغاز یافت. عده ای از علمای هرات یعنی شهید محمد افضل شهیر، مرحوم مولوی عبدالعزیز خطیب مسجد جامع و مولوی بهاءالدین واعظ مسجد جامع، شهید عبدالباقی مجددی، شهید قاری ابوکر غوریانی، سید عبدالرحیم اثمی، خلیفه نوین و علمای دیگر جلسه نموده و تصمیم بر آن شد که قیامی را در بهار سال ۱۳۵۸ راه اندازی نمایند ولی بد رفتاری های اختناق آمیز دولت این قیام را از زمان پیشبینی شده جلوتر انداخت بالاخره طوری که کودتای کمونیست ها در روز پنجشنبه ۷ ثور صورت گرفته بود قیام عمومی مردم هرات علیه آنها درست ۴۸ هفته بعد در روز پنجشنبه ۲۴ حوت همان سال در مسجد جامع شهر هرات اعلان شد.

صبح روز پنجشنبه ۱۴ مارچ ۱۹۷۸ که مطابق با ۲۴ حوت ۱۳۵۷ بود هنوز نور خورشید ندرخشیده بود که سر سپردگان راه حق و آزادی از کوچه های قریه ها به سوی شهر روان شده و با نعره ملکوتی الله اکبر، الله اکبر غوغای عجیبی بلند کرده بودند که سر تا سر شهر را به صدا در آورده و قلب دشمن را به لرزه انداخت. عاشقان توحید از شوق وصل شهادت نعره ها می کشیدند که دشمنان شانرا زبون و مردم متدین را چون زنجیر بهم پیوست نمودند. بدین وسیله مردم به داخل مسجد جامع رفتند و خود فروختگان نیز به تعقیب شان داخل مسجد شده و غافلگیرانه به کشتار بی رحمانه ایشان شروع کردند. بیخبر از آن بودند که دیگر نمی توانند به این بازی ها خشم مردم را فرو نشانند.

قیام شروع شد و مردم با بیل، کلنگ و چوب بر عصری ترین تانک های دشمن حمله ور می شدند. با وجودی که صدها نفر به شهادت می رسید. این حرکت لحظه به لحظه موج می گرفت و مراکز دولتی یکی بعد دیگری فتح می شد. و دولت ظالمانه شهر هرات را از قسمت پای حصار تا دروازه عراق و محل کاروان سرای های مسافری و نیز از پل رگینه تا گنبد سبز دوره تیموریان و مزار نورالدین عبدالرحمن جامی تا خانقاه خواجه عبدالله انصاری همه را زیر و رو کردند. فضای هرات را طیاره های روسی گرفته بود و باران بمب بالای مردم و خانه های شان می بارید.

کودکان مادران، پدران و خورد و کلان یکی بعد دیگری به خاک و خون می غلتیدند. صدای وحشتناک بمباران و غرش طیارات و تانک ها گریه کودکان و یتیمان و شیون و ناله مادران داغ دیده از هر قدمی شنیده می شد. تا چند روز بعد مردم از یک طرف به طرف دیگر در جست و جوی شهداء بودند و درین مسیر سر های بریده و اعضای قطعه قطعه شده عزیزان شان را پیدا می کردند. این جریان هرات را به یک حمام خون تبدیل کرده بود قیام ادامه یافت و شب به همین بدبختی گذشت.

۲۵ حوت جمعه خونینی آغاز شد، تانک های تی ۶۲ هلیکوپتر های آی ۲۴ جت های جنگی میگ ۲۱ و میگ ۲۳، اس یو ۲۲ با آنکه هزاران تن مواد منفجره را بالای مردم سرازیر می کردند، کاری از پیش برده نمی توانست.

فرزندان با غیرت چون گل محمد تیزانی، حاجی علی خان سنوگرد، معلم عبدالعلی، معلم محمد آصف، سارنوال نثار احمد و باقی هزارها دلیر مرد دیگر افتخار حماسه آنروز را بدست آوردند. در این وقت نهضت الله نهضت والی هرات و سید مکرم قوماندان فرقه نمبر ۱۷ هرات تحت فرماندهی جنرال روسی به نام ویسلویچ تصمیم می گیرند تا با شیوه قتل عام مردم را از پیشرفت قیام جلوگیری کنند.

روز شنبه ۲۶ حوت فرا می رسد و قیام صاحب منصبان فرقه نمبر ۱۷ هرات آغاز می شود. که نقش فعال را جگتورن محمد اسماعیل، جگرن عبدالعزیز، جگتورن نور احمد، دگرمن محمد انور نصرتی، جگتورن علاء الدین با باقی صاحب منصبان و عساکر متدین ایفا نمودند. بدین وسیله بعد از شکست دادن قوای دولتی فرقه نمبر ۱۷ به باقی قیام کنندگان پیوست و اسلحه فرقه را بین مردم تقسیم نمودند. سپس به اتفاق قوماندان های مجاهد ملکی بسوی شهر رو آورده و نقاط مهم دولتی را تصرف نمودند. روز ۲۷ حوت قیام به اوج خود رسید روز ۲۸ و ۲۹ با نیرو های نظامی فرقه که از مردم حمایه می کرد و قوای تازه وارد دولتی جنگ های سنگینی رخ داد. دگرمن نور محمد یکی از رهبران قیام به شهادت رسید. با فشار حملات هوایی که از داخل روسیه و میدان هوایی شیندند صورت می گرفت بالاخر مقاومت قیام خاتمه یافت و قیام کنندگان با تلفات بیش از بیست هزار کشته و ده ها هزار زخمی از قیام دست کشیدند. این یک قیام خود جوش مردمی بود. احزاب و گروه های جهادی در آن سهمی نداشتند. این آغاز یک جهاد منظم و حساب شده برای ملت شریف ما گردیده و پیام آور قیام هایی مانند ۳ حوت سال ۱۳۵۸ کابل حرکت دره صوف، شورش چنداول، جنگ اسمار و بالاحصار کابل، جنبش های پنجشیر و لوگر، پروان، پکتیا، شبرغان، قندهار بلخ، ننگرهار، بادغیس، غزنی، بامیان، تاشقرغان، بغلان، کاپیسا، لغمان، قندوز، فراه، زابل، نیمروز و سراسر کشور شد. که بعدها با استفاده از جنگ های چریکی و پارتیزانی حساب دشمن را تصفیه نموده و آنها را از سرزمین خود بیرون راندند.

شوروی ها برای هدف اصلی تجاوز خود در افغانستان دلیل موجه ارائه کرده نمی توانند زیرا سالیان زیادی را با همسایگی مسالمت آمیز و روابط حسنه با افغانستان بسر می بردند و با هم هیچ گونه دشمنی و تجاوز گری نداشتند.

دلایل غیر موجه می تواند قرار ذیل ارائه گردد.

۱. توسعه طلبی، گفته می شود که نیش عقرب نه از پی کین است، مقتضای طبیعتش این است. چون شورویها به ابر قدرت شرق مسمی گرد بوده بودند تصور توسعه طلبی شان روز بروز اوج میگرفت. بعد از آنکه بر اروپای شرقی تسلط یافتند، ده سال قبل از هجوم بخاک افغانستان یک حمله ناگهانی که به چکسلواکیا نمودند و توانستند آن مملکت را در مدت ۳ روز تابع خود سازند. اکثر ممالک تصور میکردند، وقتیکه روسها در یک کشور داخل شدند دیگر بیرون کشیدن شان ممکن نمی باشد.

ولی چون تاریخ افغانستان شاهد قهرمانی های افغانها در مقابل لشکر کشی های قدرتهای بزرگ دنیا ثابت است مثال این قهرمانیها بار دیگر نه تنها در شکست شوروی بلکه در فرو پاشی و تجزیه آن و رهائی ملیونها انسان از قید و بند شوروی ها گردیده که در نتیجه جغرافیای جهان تغییر نمود. در اخیرما پروانه وار سوختیم روشنایی و گرمی اتش ما کمکی به مستمندان شد.

نتایج قیام

۱. ایجاد اتفاق و همفکری بین جامعه افغانی و آغاز قیام مقاوم بر علیه کمونیزم بین المللی.
۲. پی گیری چنین قیامی در ۳ حوت سال ۱۳۵۸ در کابل و اکثر ولایات دیگر کشور.
۳. تشکیل گروههای جهادی و اعلان جهاد عمومی در سطح کل کشور بر علیه جاسوسان کی جی بی.
۴. برسمیت شناخته شدن مجاهدین در سطح بین المللی .
۵. گشوده شدن دروازه های ممالک اسلامی و جاری شدن کمکها به مجاهدین.

۶. تجزیه شوروی و از همپاشی ابر قدرت شرق.

۷. آزاد شدن ممالک مستعمره شوروی.

برای نسل امروز کشته شدن بیش از بیست هزار نفر در یک شهر در یک جنگ رویا روئی بدون اسلحه و قوه منظم نظامی در مقابل یک ابر قدرت جهانی تا دندان مسلح با سلاح عصری قابل تصور نیست و در حقیقت این یک نسل کوشی حساب می شود. به همین سبب شهر هرات را شهر خون و قیام نامیده اند. ادامه این قیام بعد از چند سال جهاد فی سبیل الله نامیده شد. و پس از شکست شوروی جای خود را به جنگهای تنظیمی میان گروه های مجاهدین و گروه های ملیشه ها داد و پس از آن تبدیل به مقا و مت علیه طالبان گردید و ده ها هزار نفر دیگر کشته معیوب و مهاجر در داخل و خارج کشور دور از جا یگاه اصلی خود گردیدند.

علل قیام ۲۴ حوت

۱. بر خورد های نا درست حا کمان با مردم.
۲. از بین بردن قوانین مذهبی و سنتی مردم و جای گزینی آن با قوانین و مقررات سوسیالیستی.
۳. غصب زمینهای زراعتی مردم و توزیع آن به صورت رایگان برای زارعین.
۴. فرستادن اجباری زنان به کورسهای نام نهاد سواد آموزی، تشویق شان به مقررات سوسیالیستی و علل نا مانوس دگر.

بعد از این قیام، حکومت تلاش میکرد که عاملین قیام را شناسائی نموده و ایشان را نابود نماید با نیرنگهای خاص تحت نام مشوره یا نشست های اضطراری متنفذین را در باغ شاهی، اقامتگاه والی، دعوت می نمودند و از آنجا ایشان را به گور های دسته جمعی می فرستادند چنانچه همین نیرنگ بالای خاندان مجددی عملی گردید که در یک شب به وقت نماز شام در هنگام باز گشت از مسجد هر کدامشان در پیش روی خانه خود هیئتی را دیدند که با احترام خاص ایشانرا از طرف والی هرات در باغ شاهی جهت اشتراک به مشوره اضطراری و صرف غذا بطور عاجل تاکید میکنند. و ایشانرا وادار میسازند تا خواهش والی صاحب را قبول کنند. ناگزیر ایشان میروند و از آنجا رهسپار گور های دسته جمعی می گردند و تا امروز از ایشان خبری در دست نیست که در انجمله حضرات عبدالباقی مجددی، عبدالصمد مجددی و محمد انور مجددی شامل اند. بعد از شکست و خروج ارتش سرخ شوروی گور های دسته جمعی در بین تپه های تخت سفر پیدا شد که گواهی آن بود که عده ای دست و پای بسته بطور زنده درین گودالها انداخته شدند.

این بود شمه ئی از حوادث تاریخی حوت در هرات که هرگز فراموش تاریخ نخواهد شد.

ومن الله التوفیق.